

بی‌کفایتی‌ها در امر شناخت چگونگی وضعیت میهن ما اقتدارگرایی و سوءمدیریت اداری بمنظور جستن حاشیه‌ایمنی آشفته‌گی در روابط پیچیده اجتماعی جامعه ما

کشور ما و چگونگی هزینه دادن به سیاست‌های افغانی امریکا
با اینهمه، آیا زندگی یک شوخی فریبنده پنداشته می‌شود؟
صرفه جویی در قدرت و نطفه بندی بحران در کشور
بحران ناملموس روانی در میهن عزیز ما افغانستان

فرآیند شناخت و ارزیابی وضع موجود کشورهای مختلف، بمثابة فزاو فرآیند کلی برنا
مه ریزی راهبردی یا ستراتیژیک داخل سازمان هاست که دربرگیرنده شناخت وضعیت
موجود، توصیف و ارزیابی وضعیت موجود، شناخت وضعیت موجود و توصیف و ارزیابی
وضعیت موجود. درگام نخست باید چگونگی وضعیت موجود را شناخت. برای اینکار
هم باید شاخص‌ها و معیارهای مناسب برای سازمان تعریف کرد. بگونه نمونه از کدام
شاخص‌ها و معیارها و از کدام برنامه‌ها میتوان بمنظور ارزیابی وضعیت موجود استفاده
نمود که البته فقط اینها اصلن کافی نمی‌باشد. معمولن این شاخص‌ها را می‌توان بدو
دسته شاخص‌های عملکردی و وضعیتی دسته بندی نمود. قابل یاددهانی پنداشته می
شود که در این میان، شاخص‌های عملکردی مهمتر تلقی می‌گردد. در گام بعدی باید
وضعیت موجود سازمان را ارزیابی نمود. با استفاده از شاخصها و معیارهایی که تعریف
نمودیم، وضعیت موجود را با آنچه مطلوب است می‌سنجیم. نتیجه این می‌شود که می
توانیم نقاط قوت و ضعف سازمان را هم مشخص کنیم. این دوتا درواقع ریسکهای مثبت
و منفی سازمان اند. این نقاط قوت و ضعف در واقع حاصل مقایسه وضعیت سازمان با
وضعیت محیط می‌باشد. پس از اینهمه، بایست وضعیت موجود سازمان را شناسایی کرد.
این در واقع همان شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای سازمان است. در واقع، زمانی که
وضعیت خود سازمان را شناسایی می‌نماییم، قوت و ضعف سازمان را مشخص می‌کنیم
و زمانی که محیط سازمان را شناسایی می‌کنیم درعین زمان فرصت‌ها و تهدیدها بی‌را
که سازمان با آنها مواجه بوده و با آنها دست و پنجه نرم مینماید نیز شناسایی مینماییم.

درمورد تحلیل پیشبینی‌های سیاسی و چگونگی انکشاف اوضاع در کشور عزیز ما بویژه پس از آغاز عملیات مسلحانه
نظامیان ائتلاف برهبری ایالات متحده در سال ۱۴۰۰ بایست متذکر گردید کاین دول کشورهای غربی بودند که در تو
ضح و تفسیر قضایا و اتفاقات تکوین پذیرفته در اراضی متعلق به میهن عزیز ما، بگونه شایسته و بایسته ایی سعی
بعمل نیآوردند. نتیجه دیگری که در اینمورد حاصل میشود، اینست که فقدان و نبود تجربه، بویژه در عرصه وضعیت
کنونی و چگونگی انکشاف اوضاع، بگونه کلی، پیشبینی‌ها در مورد را اندکی با مشکل مواجه می‌نماید. اما نباید
فراموش نمود که در امتداد زمانی ۲۰ساله موجودیت و حضور پررنگ و با شاخ و پنجه پنتاگون و جنگ و دندان نشان
دادن نظامیان همپیمانش در کشور عزیز ما، بسیاری از کشورهای جهان بنحوی ازانحا، در قضایای کشور ما درگیر بود
ند. در چنین وضعیتی، از ریسک‌های موجود امنیتی در منطقه ابراز نگرانی‌هایی بعمل آمد. در مورد چگونگی اوضاع
بویژه پس از سال ۱۴۰۰ بایست متذکر گردید کآنچه کشورهای جهان از حاکمیت "طالب"‌ها در داخل کشور انتظار داشتند
اصلن از قوه بفعل مبدل نگردیده و شهروندان کشور عزیز ما همچنان در عالمی از نارسایی‌های اجتماعی ناشی از نحوه
عملکرد "طالب"‌ها دست بگریبان بوده و در امر مقابله با آنها دست و پنجه نرم می‌نمایند. در کنار سایر مسایل موجود
و مطالب مورد نظر، پرسشی باین شرح مطرح میگردد که چگونه و به چه نحوه ایی می‌توان کیفیت ماهوی پیشبینی

ها در حوزه نظامی - سیاسی کشور را بهبود بخشید؟

در این مورد بگونه مشخص می توان چنین اظهار نظر نمود که با در نظر داشت مشکلات موجود و ویژگی های شناسایی شده و بر بنیاد تجربیات درین عرصه، بمنظور تجزیه و تحلیل وضعیت کشور عزیز ما افغانستان، ضرورت آن احساس می گردد تا علاوه بر شاخص های ستاندرد موجود، عوامل و فاکتورهای منحصر بفرد، از جمله ویژگی های قومی - نژادی، مناسبات قبیله ای و سایر خصوصیات موجود جامعه افغانی در نظر گرفته شود.

قابل یاد دهنی پنداشته می شود که روش های ترکیبی را می توان بمثابة مؤثرترین روش ها درباره مسایل مورد نظر تشخیص نمود، بمفهوم دیگر، به مجموعه ای از مطالعات و بررسی هایی که در برگیرنده رویکرد های چند مرحله ایی بمنظور تفکیک دقیقترین اطلاعات مطرح بحث می باشد، باید توجه جدی معطوف گردد. بگونه نمونه، هنگام مطالعه و بررسی پویایی نفوذ نخبگان کشور، پس از استفاده از یک نظرسنجی چند مرحله ایی کارشناسان و دست اندرکاران مسایل کشور ما بویژه در مورد چگونگی انکشاف اوضاع و بررسی ویژگی پیشبینی ها در باره روند سیاسی - اجتماعی کشور عزیز ما، از اهمیت مشارکت کارشناسان داخل کشور، نباید چشم پوشی بعمل آید. بخاطر باید داشت که با تعویض قدرت در کشور، از اهمیت پیشبینی ها در مورد چگونگی پروسه های اجتماعی - سیاسی، بهیچوجه نمی توان انکار ورزید. اما با وجود اینهمه، جامعه بشدت بسته افغانی، برای تحلیلگران اوضاع کشور، مشکلات و معضلاتی را بیار آورد. اما تجزیه و تحلیل دقیق و موشگافانه وضعیت عمومی در داخل کشور و بررسی عرصه های مختلف و کنکاش واقعیت های عینی موجود در جامعه افغانی، غیر از آنچه است که توسط وسایل اطلاعات همگانی و برخی از ساختارهای بین المللی ارائه می گردد.

بارتباط مسایل و موضوعات تذکر بعمل آمده در فوق، بایست خاطر نشان گردد که مدتی قبل در هفتمین کنفرانس بین المللی ۲۰۲۳ اهمیت حیاتی پیشبینی های نظامی - سیاسی و مشکل پیشبینی های غیر عملی و راهای غلبه بر آن مورد بحث قرار داده شد. شهر مسکو میزبان هفتمین کنفرانس علمی یاد شده بود و کارشناسانی از ۲۲ کشور جهان در کار آن سهم ورزیدند. شرکت کننده ها در مورد دشواری ها در عرصه پیشبینی های نظامی - سیاسی و این معضل که چرا تحلیلگران غربی قادر به تشریح چگونگی توسعه بحران در داخل کشور، بویژه پس از فراخواندن توأم با عجله و شتاب نظامیان امریکایی نگردیدند، نیز مطرح بحث قرار گرفت. در جریان کار جلسه عمومی، شرکت کننده های گردهم آیی یاد شده، نظرات و طرز نگاه شان را در مورد چشم انداز و دورنمای همکاری های منطقوی با شتراک گذاشتند. آنها همچنان در مورد پیچیدگی های سیستم روابط بین المللی و مهم بودن این مفهوم بحث و مذاکره نموده و از جمله یاد دهنی بعمل آمد که از جهان تک قطبی نباید انتظار عدالت و برابری داشت. چه، جهان هرگز عادلانه نبوده است. مفاهیم اخلاقی مانند عدالت و برابری بواسطه سیاستمداران مورد استفاده ایزاری قرار می گیرد. نکته اصلی و مهم ترین مسأله مورد بحث بویژه در سیستم روابط بین المللی، اصل منافع دولت و یا منافع ومصالح گروهی از دولت ها پنداشته می شود. عده ای از شرکت کننده ها در کار کنفرانس یاد شده، نظام روابط بین المللی دهه های آینده را بمثابة یک مثلث پیشبینی می نمایند که در رأس های سه گانه آن ایالات متحده، چین و روسیه قرار داشته و هر کدام از آنها برنامه های رهبری جهانی خودشان را داشته که می توان آنها را بمثابة لوکوموتیف جهانی پنداشت. تداوم موقعیت کنونی آنها، الی اواسط سده روان پیشبینی می گردد. بگفته کارشناسان، روسیه امروز مشکلترین دوره توسعه پس از فروپاشی شوروی را پشت سر گذاشت، شهروندان شوروی اصلن درک دردناکی از فروپاشی امپراتوری نداشتند، اما وضعیت یاد شده پس از ۳۰ سال رونما گردید، روند مشابهی بمثابة سرنوشت تمامی امپراتوری های از هم فروپاشیده پنداشته می شود. بزرگترین بدبختی و بدبختی روسیه اینست که اتمسفر پس از فروپاشی شوروی، مناطق مرزی روسیه به مثابه حوزه نفوذ و مناطق منافع حیاتی سایر کشورها همچنان باقی مانده است، چه با انکشاف اوضاع بویژه در سده روان، میراث اتحاد شوروی بنحوی از میان رفت.

کشورهای غربی پس از آغاز عملیات در بحبوحه آغاز سده ۲۱، توجه ویژه و منحصر بفردی به تحلیل و پیشبینی انکشاف اوضاع در کشور ما معطوف نمودند. اما با اینحال، با وجود تلاش هایی در مورد، اما عملکرد آنها در ساحت محدودی انجام پذیرفت. بگونه نمونه می توان از پیشبینیهای غیر عملی و تحقق نیافته سرویس های تحلیلی ایالات متحده در مورد سقوط و فروریزی سریع دولت قبلی و انتظارات از مقامات جدید در کشور نامبرد. یکی از دلایل اصلی، نبود تحلیلگران و کمبود اطلاعات و داده ها و ناکافی بودن و غیر قابل اعتماد بودن آنها و نادیده گرفتن تعدادی از فاکتورهای موجود در جامعه افغانی پنداشته می شود.

از آنجایی که اهمیت پیشبینی دورنمای بحران کشور ما، از جمله با نقش کشورهای خارجی در امنیت منطقوی و بویژه

توسط عوامل ژئوپولیتیک تعیین و مشخص می گردد، نهادهای موجود در این کشورها، در درک و تشریح وضعیت کشورما کمک می نمایند. بدین ترتیب، هنگام تصمیمگیری، اصل نظارت بر وضعیت، از اهمیت قابل توجهی برخوردار می باشد.

در این مقطع پرسشی باین شرح مطرح می گردد که آیا می توان از متوذهای بررسی و مطالعه همه جانبه کشورما، بمثابة روش بررسی وموشگافی چگونگی وضعیت در آسیای مرکزی نیز نفع برد؟

کشور عزیزما افغانستان، بدلائیل مختلفی و بویژه بر بنیاد موجودیت پروسه های اجتماعی - سیاسی، با کشورهای آسیای مرکزی از شباهت هایی برخوردار بوده و قرابت هایی را بهم می رساند. بنابراین، بگونه قطع، تجربه حاصله، درامپیشینی دورنمای معضل کشورما، مفید خواهد بود.

در امتداد سالروان، در قبال حکومت ها ودولت های کشورهای آسیای مرکزی، اصل سیاست انرژی با تمام اهمیت آن مطرح گردیده و در جستجوی علاقمندان و خریداران نفت و گاز وساخت و ساز لوله انتقال آن و طرح برنامه های همگرا بی در زمینه گردیدند. کشور عزیزما در این فرآیند از جایگاه منحصر بفردی برخوردار بوده وهمچنان امنیت اقتصادی و انرژیکی آن برای تمامی منطقه، اهمیت مشخصی دارد. اما موجودیت فاکتور هایی در زمینه، بخودی خود سبب ایجاد موانعی در زمینه پنداشته می شود.

در امتداد سال ۱۳۹۷ کار ساخت وساز خط لوله "تاپی" آغاز گردیده اما الی سال پار، کار یاد شده متوقف گردید. اما پس از آن همچنان سعی بعمل آمد تا طرح یاد شده احیا گردیده و با استفاده از آن، کشور عزیزما افغانستان، ترکمنستان، روسیه و هند با هم وصل گردند. اما دیده شود کآیا زمینه های تطبیق عملی طرح یاد شده موجود می باشد و یا نه؟ در شرایط و وضعیت کنونی، بتعداد تقریبی ۶ هزار تن از مجموع گروه های افراطی و تندرو در ولایت های شمال شرقی کشورما موجود بوده و فرار است تا تعدادی از مهاجران وزیرستانی پاکستان نیز در مناطق و صفحات شمال کشورجا بجا گردیده واسکان داده شوند که با تکوین چنین وضعیتی، در ترکیب جمعیتی کشور نیز تغییراتی وارد گردیده و بدلائیل عدم آشنایی با زبان و فرهنگ و عنعنات موجود ومرسوم میان شهروندان بومی مناطق و محلات یاد شده، سبب ایجاد درگیری ها و آشفتگی هایی گردد.

آنها بگونه مستقیمی، خطرات و تهدید هایی را متوجه کشورهای آسیای مرکزی نموده و در صدد ایجاد و شکل گیری بیثباتی منطقه بوده که بگونه ای نشان دهنده اقدامات زیرکانه وانجام اقدامات تلافی جویانه و خصمانه علیه جمهوری مردم چین ودولت کشورهای آسیای مرکزی باشد.

بخاطر ما باشد که گروه های افراطی در صدد وسعت و گسترش جغرافیای تأثیر گذاری و بسط ساحه نفوذ شان بوده و در این راه از انجام هیچگونه رویکردی دریغ نخواهند نمود آنها از یکجانب بمنظور دستیابی به منابع، در صدد ایجاد و شکل گیری بی ثباتی در سرزمین و اراضی قرغیزستان، قزاقستان و دیگر کشورها وانتقال آن در ایالت سینکیانگ چین می باشند.

در سازمان ملل چنین پرسشی مطرح گردیده کآیا "طالب" ها نمی توانند و یا اصلن نمی خواهند به تروریزم در سرزمین افغانستان پایان داده شده و به عملکردهای آنها نقطه پایان گذاشته شود؟

در سازمان یاد شده، حاکمیت کنونی "طالب" ها در کشور بدلیل خطر تبدیل مجدد افغانستان به کانون ترور و وحشت، مورد انتقاد قرار داده شده است. مسأله فوق توسط گروه نظارت بر تحریم ها علیه حاکمیت کنونی "طالب" ها در افغانستان اظهار گردید.

بر بنیاد اظهار نظر های مسؤلان یاد شده، افغانستان ممکن مجددن در حال تبدیل شدن به عمده ترین کانون تشنج و مرکز رشد و گسترش تروریزم گردد.

با وجود همه وعده ها، قرارها و اعلامیه های بلند بالا، وضع موجود و شرایط حاضر، بازگویی این واقعیت پنداشته می شود که حاکمیت کنونی در کشور، بگونه دوافکتو، یا در موقعیتی قرار ندارد تا علیه کلیه اشکال تروریزم با اقدامات قاطعی مبادرت ورزد و یا در صورت دیگر، اراده آنرا ندارد و در صدد آن نمی باشد تا علیه پدیده یاد شده باتخاذ مواضع سازنده ای متوسل گردد.

یکشنبه ۴ ماه سرطان سال ۱۴۰۲ خورشیدی برابر با ۲۵ ماه جون سال ۲۰۲۳ ترسای

